

بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران

زهرا حضرتی صومعه^۱، محمد رحیمی^۲

چکیده

امروزه دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار با مشارکت اجتماعی در تمامی ابعاد آن میسر است لذا این پژوهش به بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران می‌پردازد. چارچوب نظری با استفاده از نظریه پردازانی چون بوردیو، کلمن، فوکویاما و پاتنام، آفه و فوش، گلنزر، لایسون و ساکردوت و برم و ران ارائه شد. روش این پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است که با تکنیک «پرسشنامه محقق ساخته» که دارای اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای و اعتماد (آلفای کرونباخ بالای ۷۰ درصد) در بین ۴۰۰ نفر از شهروندان تهرانی ۱۸ سال و به بالای که با روش نمونه‌گیری منطقه‌ای و سهمیه‌ای انتخاب شدند، انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشانگر این بودند که بین سن، اندازه خانوار، سال‌های اقامت فرد در شهر، درآمد، آگاهی، احساس امنیت، روابط خویشاوندی، اجبار در گروه‌ها، میزان مطالعه، تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، دین باوری و تعهد دینی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی نیز نشان می‌دهد که ۳۰ گویه‌ای که در ۲ بعد، به سنجش ابعاد مشارکت اجتماعی می‌پردازند در ۷ عامل خلاصه گردید و آزمون تحلیل عاملی توانسته ۶۱/۲۶۲ درصد واریانس داده‌ها را تبیین کند. از راه‌های افزایش مشارکت اجتماعی؛ اعتماد افراد نسبت به هم، نهادها و دولت، آموزش شیوه‌ها و پیامدهای مشارکت در شهر، تشویق به فعالیت‌های گروهی با تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی و ... مطرح شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۵

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Hazrati14@yahoo.com

^۲ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

M.rahimi5564@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها برای تامین نیازها و دستیابی به اهداف، از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌های مختلف اجتماعی با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند. شبکه‌ها به عنوان منابعی هستند که می‌توانند به تشکیل سرمایه اجتماعی منجر شوند. ارتباطات اجتماعی هنگامی می‌توانند به مثابه سرمایه اجتماعی عمل کنند که مبتنی بر اعتماد متقابل بوده و تحت تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی که افراد جامعه در آن شریک‌اند، باشند. مهم‌ترین هدف ایجاد شبکه‌های اجتماعی، افزایش مشارکت فرد در ارتباط با دیگران می‌باشد. سرمایه اجتماعی روابط میان افراد را به شیوه‌ای دگرگون می‌کند که کنش فردی و کنش جمعی را تسهیل و تقویت کند و هرچه این روابط استحکام بیشتر و کیفیت و کمیت بالاتری داشته باشد، شاهد دستیابی به اهداف جمعی در مدت زمان کوتاه‌تر و هزینه کمتر خواهیم بود. در واقع سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از موسسات و گروه‌های میان روابط افقی مردم است که افراد را از فردیت خود خارج و به هم می‌پیوندد. به عبارتی می‌توان گفت که اگر در درون گروه‌های اجتماعی، هنجارهای مؤثر و نیرومندی وجود داشته باشد که مطابق با آن فرد منافع شخصی خود را رها کرده و به سود جمع عمل کند، سرمایه اجتماعی شکل خواهد گرفت. سرمایه اجتماعی در پی آن است که افراد عضو شبکه‌های اجتماعی را به همکاری و اعتمادپذیری بیشتری در برخوردهایشان تشویق کند و آنها را از شرایط متمیزه و انفرادی بیرون آورد تا بتواند ظرفیت سازماندهی جمعی داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل و مسایل عمومی را افزایش دهد. با این توضیح شاید بتوان گفت که سرمایه اجتماعی، تنها در درون گروه، انجمن یا شبکه اجتماعی تولید می‌شود. با استفاده مناسب از سرمایه اجتماعی، زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می‌شود و عدم استفاده از آن موجب تقلیل و نابودی آن می‌شود. در کل می‌توان سرمایه اجتماعی را منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه دانست که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت به جامعه در دسترسی به هدف مشترک و حفظ انسجام کمک می‌کند. به عنوان یک منبع کنترل اجتماعی، سرمایه اجتماعی ناشی از فشردگی شبکه‌های اجتماعی، برای والدین، معلمان و مقامات پلیس که در صدد حفظ انضباط و ترویج فرمانبرداری در بین افراد تحت مسئولیت خویش‌اند، سودمند است. منابع این نوع سرمایه اجتماعی را معمولاً در همبستگی مقید و اعتماد

۳۷..... بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن.

قابل تضمین می‌توان پیدا کرد و نتیجه اصلی آن این است که کنترل رسمی یا آشکار را غیر ضروری می‌کند (پورتس؛ به نقل از تاجبخش، ۱۳۸۴:۳۲۲-۳۲۱).

یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی که نقش مهمی در تسهیل روابط اجتماعی انسان‌ها در زندگی روزمره دارد، مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است. حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، سعه صدر و تسامح و تساهل گردیده و در نتیجه به توسعه نهادهای مدنی و دموکراتیک خواهد انجامید (نوابخش و صادقی، ۱۳۸۹:۸۶).

امروزه مشارکت اهمیت زیادی نسبت به گذشته پیدا کرده است؛ چرا که سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند و در ضمن محور اساسی توسعه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز محسوب می‌شود. مشارکت یکی از مولفه‌های توسعه انسانی محسوب می‌شود (نوابخش و اسمی جوشقانی، ۱۳۹۱:۱۰۶).

مشارکت اجتماعی از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد، عنصر اجتماعی در جامعه، علایق مشترکی را پدید می‌آورد که حفظ و پاسداری از آن‌ها، امر مشارکت را برای هر یک از افراد جامعه مخصوصاً در کلان شهری چون تهران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مشارکت را در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. شهروندان کلان شهری چون تهران که اعضای جامعه بزرگی چون ایران هستند، به دلیل دارا بودن نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود، در حکم گلبول‌های قرمز و سفید بدن انسان هستند. همانگونه که افزایش یا کاهش گلبول‌های یاد شده به بدن آسیب می‌رساند، نارسایی در مشارکت اجتماعی در امور شهری نیز ادامه حیات را دستخوش تزلزل می‌سازد، تا آن جا که اگر بُعد اجتماعی خود را از دست بدهد، نابودی آن حتمی است؛ اگر هم پابر جا بماند، هدف خود را که خدمت به اعضا و اصلاح جامعه شهری است، گم می‌کند. البته این در صورتی است که مشارکت از درون و اندیشه فرد بجوشد و با میل و رغبت همراه باشد، وگرنه مشارکت با زور و اجبار، مفید و کارآمد نخواهد بود.

با توجه به آنچه که گفته شد این پژوهش با هدف کلی «بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران» انجام پذیرفت. و اهداف جزئی به شرح زیر مورد توجه قرار گرفتند:

- ۱- سنجش مشارکت اجتماعی غیر رسمی (در سطوح محله‌ای، تفریحی- ورزشی، مذهبی، فرهنگی و شغلی) و مشارکت اجتماعی رسمی (در سطوح محله‌ای، شهری و ملی).
- ۲- بررسی رابطه بین عوامل فردی و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی.
- ۳- بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی.
- ۳- بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی.
- ۴- بررسی رابطه بین عوامل فرهنگی و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی.
- ۵- ارائه پیشنهادها و راهکارهایی جهت افزایش مشارکت اجتماعی در افراد جامعه.

پیشینه پژوهش

نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) در پژوهشی به مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا از منظر جامعه‌شناختی، به بررسی میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خدابنده بپردازد. جامعه آماری این پژوهش افراد ۶۰-۳۰ ساله ساکن در این شهرستان می‌باشد و ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه می‌باشد. یافته‌های پژوهش، حاکی از میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی متوسط به پایین در شهرستان خدابنده است. همچنین همبستگی معنی‌دار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای مستقل (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی- سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی- سیاسی)، برقرار است R^2 معادل ۰/۳۹ می‌باشد.

رضا دوست، حسین زاده و عابد زاده (۱۳۸۸) به بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه‌ی شهری شهر ایلام پرداختند. هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری ایلام است. چارچوب مفهومی این تحقیق نظریه‌های وبر ف هومنز، لرنر، گای‌درام، اوکلی، مارسدن و پارسونز می‌باشد. روش تحقیق کمی و پیمایشی و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. نمونه آماری ۳۸۵ نفر بوده است

که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای توأم با روش تصادفی انتخاب شدند. نتایج حاصله نشان داد که بین وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، تحصیلات، رضایت از خدمات شهری و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. همچنین متغیرهای مستقل ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. پور یوسفی و بهاری (۱۳۸۸) به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان در سازمان‌های غیر دولتی در شهر تبریز پرداخته‌اند. روش پژوهش از نوع توصیفی و روش تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد و بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران حجم نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۳۷۰ نفر انتخاب گردید و روش نمونه‌گیری تصادفی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. نتایج حاصل شده از تحقیق حاضر عبارتند از: بین روحیه مشارکت زنان و سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی زنان و میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت آنان در سازمان‌های غیر دولتی رابطه وجود دارد.

نوابخش و صادقی (۱۳۸۹) در پژوهشی به "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در انتخابات شورایاری دوره سوم محلات مطالعه موردی: دانشکده مدیریت واحد علوم و تحقیقات تهران" پرداخته‌اند. روش این پژوهش پیمایشی و نمونه آماری این بررسی ۲۱۰ نفر از دانشجویان دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. دانشجویانی که در انتخابات شورایاری‌ها (سومین دوره) شرکت کرده‌اند بیش از سایر دانشجویان دارای مشارکت اجتماعی هستند. الگوی نهایی مشارکت نشان می‌دهد در بین عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی دانشجویان، عوامل احساس تکلیف شرعی، آشنایی و همکاری با تشکل‌ها و انجمن‌های داوطلبانه، رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، استفاده از رسانه و احساس تعلق بیشترین سهم را داشته‌اند که این عوامل می‌توانند در مجموع ۳۸ درصد واریانس متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی دانشجویان) را پیش‌بینی و تبیین نمایند.

نادری، شیرعلی و قاسمی کفرودی (۱۳۹۳) به بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد) پرداخته‌اند. در این پژوهش با این پیش‌فرض و اینکه آمادگی برای مشارکت در سطح محله تابعی از حس تعلق محله‌ای می‌باشد، این پرسش مطرح شده است که، تأثیر حس تعلق محله‌ای در آمادگی برای مشارکت چیست؟ برای پاسخ به پرسش از نظریه مک میلان و چاوویس در ارتباط با حس تعلق محله‌ای و نیز روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسشنامه استفاده شده و بر مبنای تعداد ۱۲۰ نمونه، تحلیل‌ها ارائه شده است. یافته‌های پژوهش

نشان می‌دهد که بین حس تعلق محله‌ای و آمادگی برای مشارکت رابطه وجود دارد. همبستگی بین این دو متغیر در جهت مثبت بوده و با افزایش حس تعلق محله‌ای بر آمادگی برای مشارکت افزوده می‌شود.

در انتهای پیشینه پژوهش لازم به ذکر است که در مورد مشارکت اجتماعی تحقیقات زیادی انجام شده است که در این مقاله به تعدادی از آنها اشاره شد در اکثر پژوهش‌ها بیشتر، به بررسی تاثیر عوامل مختلفی چون اجتماعی و اقتصادی بر مشارکت اجتماعی پرداخته شده است و پژوهشی که به بررسی عوامل فرهنگی و فردی پردازد کمتر انجام شده است و نیز پژوهشی که به طور مستقل به بررسی مشارکت اجتماعی با بررسی ابعاد رسمی و غیر رسمی در کلان شهری چون تهران پردازد کمتر انجام شده است و همچنین در پژوهش‌ها جامعه آماری محدودی مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا انجام پژوهشی که به بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران پردازد ضروری است.

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به اینکه طرح چارچوب نظری می‌تواند از میان نظریات موجود با توجه به موضوع پژوهش انتخاب شود، لذا برای چارچوب نظری در این پژوهش از نظریه نظریه‌پردازانی همچون پیر بوردیو، جیمز کلمن، فرانسیس فوکویاما و رابرت پاتنام در مورد مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی و نیز برای بررسی عوامل موثر از دیدگاه کلاوس آفه و فوش، گلیزر، لایسون و ساکردوت و برم و ران استفاده می‌شود.

با بررسی تئوری‌های مطرح در باب مشارکت اجتماعی می‌توان به این جمع‌بندی رسید: بوردیو معتقد است جایگاهی که برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود بر گستره پیوندها یا شبکه‌های اجتماعی متمرکز است. منفعت‌های حاصل از عضویت در یک گروه، همبستگی را به وجود می‌آورد که حصول منفعت‌ها را ممکن می‌سازد. از نگاه جیمز کلمن این هنجار است که فرد باید منافع شخصی را رها کند و به سود جمع عمل کند، هنجاری که با حمایت اجتماعی، پایگاه، احترام، و پاداش‌های دیگر تقویت می‌شود سرمایه‌ای اجتماعی است به طور کلی افراد را وامی دارد برای منافع عموم فعالیت کنند. فوکویاما نیز استحکام پیوندهای خانوادگی را با انواع دیگر پیوندهای اجتماعی مطرح می‌کند. پاتنام نیز عوامل مختلفی را بر مشارکت اجتماعی به عنوان

۴۱ بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن.

یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین با بررسی نظریه‌های مطرح شده می‌توان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی را در قالب عوامل ذیل مورد بررسی قرارداد:

۱- عوامل فردی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، اندازه خانواده، طول مدت اقامت فرد در شهر تهران).

۲- عوامل اقتصادی (نوع مالکیت منزل مسکونی، وضعیت شغلی، نوع شغل، اشتغال همسر و درآمد).

۳- عوامل اجتماعی (آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، امنیت اجتماعی، روابط خویشاوندی، کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی).

۴- عوامل فرهنگی (تحصیلات، مطالعه روزنامه، کتاب و مجله، میزان تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، دین باوری و تعهددینی).

در اینجا، به نحوه اثرگذاری هر یک از متغیرهای فوق بر متغیر مشارکت اجتماعی پرداخته می‌شود:

- سن

سن از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی است که معمولاً براساس دوره کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، والدینی و بازنشستگی شناخته می‌شود. از آن جا که میزان درآمد و زمان فراغت در مقاطع مختلف سنی متفاوت است، بنابراین مشارکت اجتماعی فرد نیز در مراحل مختلف سنی تفاوت می‌یابد. برخی تحقیقات نشان داده است که: ارتباط سن و انجمن پذیری به صورت منحنی U معکوس است به این معنی که در ابتدا با افزایش سن بر روی شکل دهی مشارکت اجتماعی، سرمایه گذاری می‌شود و به تدریج که سن از یک اندازه بالاتر می‌رود، این سرمایه گذاری بر روی مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد (أفه و فوش و گلیرز).

- اندازه خانواده

اندازه خانواده با انجمن پذیری رابطه مستقیم و مثبتی دارد. در خانواده‌های بزرگ جنبه‌های زیادی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی از قبیل آموزش، بهداشت، بازار کار، فعالیت‌های فرهنگی، زندگی مذهبی و موضوعات همسایگی در اولویت قرار دارند. علاوه بر این خانواده‌های بزرگ‌تر از شبکه‌های بین خانوادگی استفاده بیشتری در کمک و تعاون می‌برند. نقطه مقابل این فرض آن است که یک خانواده بزرگ ممکن است به تمرکز بر روی خود پرداخته و احساس عدم نیاز به صرف وقت کافی در مشارکت‌های انجمنی در اجتماع محلی خود کند و معمولاً کسانی که در

خانواده‌های تک نفره هستند به منظور دوری از جدا افتادن و ایزوله شدن به فعالیت‌های انجمنی دست می‌زنند (أفه و فوش).

- میزان اقامت در شهر و مالکیت منزل مسکونی

طول مدت اقامت در شهر، تحرک و جابجایی محل اقامت و مالکیت منزل مسکونی افراد بر مشارکت‌های اجتماعی آنان مؤثر است. گلپزر، لایسون و ساکردوت در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین تحرک و جابجایی محل اقامت و عضویت سازمانی رابطه منفی وجود دارد. به این معنا که افرادی که محل اقامت خود را مدام عوض می‌کنند مشارکت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و کمتر علاقمند به سرمایه‌گذاری بر روی آن هستند. بنابراین طول مدت اقامت در یک جامعه تا حد زیادی بر مشارکت اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد (گلپزر، لایسون و ساکردوت، پاتنام، برم و ران و کلمن).

- اشتغال

اشتغال معمولاً تحت عنوان وضعیت شغلی در یک شاخص ترکیبی شامل امنیت شغلی، سطح درآمد و وقت اضافه قرار می‌گیرد و با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری دارد. شاغلین نسبت به بیکاران فعالیت انجمنی بیشتری دارند (أفه و فوش). در ضمن تحقیقات نشان داده که افراد در مشاغل که بیشتر اجتماعی بوده‌اند از میزان مشارکت اجتماعی بیشتری برخوردارند (گلپزر، لایسون و ساکردوت).

- اشتغال همسر

فشارهای اقتصادی و زمانی روی خانواده، به جهت کار کردن زن و شوهر وقت آنها را برای فعالیت‌های اجتماعی کاهش داده و نقش کاهنده‌ای بر مشارکت اجتماعی دارد. حضور زنان در نیروی کار باعث می‌شود که زمان و انرژی لازم در ساخت مشارکت اجتماعی کاهش یابد. فشار زندگی باعث می‌شود که فرد در تعاملات خود، دیگران را به عنوان رقیب ببیند. کمبود وقت باعث کاهش سرمایه‌گذاری بر روی سرمایه اجتماعی می‌شود. (پاتنام، برم و ران، گلپزر، لایسون و ساکردوت).

- درآمد خانوار^۱

افراد دارای درآمد متوسط و بالا آشنایی بیشتری با فعالیت‌های انجمنی دارند که این موضوع ناشی از تجربه و سن و یا مهارت‌های سازمانی آنان است. البته در نقطه مقابل، این فرض وجود دارد که

درآمد بالا باعث می‌شود که هزینه فرصت و زمان برای این گونه افراد مهم باشد و آنچه که از طریق انجمن دست یافتنی است از طریق پول و خرید به دست آید و پول و سرمایه اقتصادی جایگزین سرمایه اجتماعی شود (بورديو، اُفه و فوش، برم و ران)

- روابط خویشاوندی^۲

سرمایه اجتماعی ابتدا از دریچه روابط فامیلی تجلی می‌یابد و به محض اینکه فامیل‌ها، شبکه‌های خویشاوندی، دوستی، و دیگر تماس‌های خود را رها کرده‌اند، سرمایه اجتماعی رو به کاهش رفت (کلمن).

- کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

استفاده از زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. به این معنا که مجبور کردن افراد به مشارکت منجر به از دست رفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت واقعی اجتماعی می‌شود (فوکویاما).

- تحصیلات

براساس مطالعات انجام شده افزایش حضور در کلیسا و میزان اعتماد و ارتباطات اجتماعی و کوشش در حل مسایل محلی، در بین افراد با تحصیلات کالج بیشتر است و بین سال‌های رسمی آموزش در مدرسه و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. و این موضوع تا حدودی ناشی از محیط‌های نهادی مانند مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری و آموزه‌های اخلاقی آنان در جهت تعاون و همیاری است و نیز بین سطح آموزش و میزان همکاری و مشارکت در پروژه‌های محلی رابطه مستقیمی وجود دارد. در واقع آموزش باعث تقویت مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی می‌شود (گلیزر، لایسون و ساکردوت، اُفه و فوش، بورديو، فوکویاما و پاتنام).

- خواندن روزنامه و مجله، تماشای تلویزیون و استفاده از اینترنت

در تحقیقات تلویزیون و وسایل سرگرمی الکترونیکی خانگی از عوامل تضعیف روحیه شهروندی فعال و سرمایه اجتماعی شناخته شده است که با خصوصی کردن اوقات فراغت افراد باعث می‌شود افراد وقت کمتری را صرف دوستان و خانواده خود کنند و در سازمان‌های اجتماعی و امور عمومی کمتر مشارکت کنند (پاتنام). اینترنت نیز هرچند موانع ارتباطی را از بین می‌برد و

شبکه‌های جدیدی برای روابط جدید ایجاد می‌کند اما روابط اینترنتی خیلی اتفاقی است و به همین دلیل اینترنت تعامل را تضعیف و احتمال فریب را تقویت می‌کند (برم و ران، پاتنام و بوردیو).

- دین باوری و تعهد دینی

سازمان‌های دینی نقش میانجی را در فعالیت‌های دینی ایفا می‌کنند. از آنجا که ادیان از نشست‌های عمومی و از مراسم و مناسک برخوردارند، باعث توسعه همکاری و تعاون و آگاهی از مسایل اجتماعی می‌گردند و ادیانی که بیشتر از مراسم و مناسک عمومی برخوردارند در افزایش سرمایه اجتماعی نقش بیشتری ایفا می‌کنند (أفه و فوش). بسیاری از مذاهب با ترویج روش‌هایی چون مشارکت، صداقت، اعتماد متقابل و گسترش ارزش‌های اخلاقی می‌توانند سرمایه اجتماعی را ارتقاء بخشند (أفه و فوش، فوکویاما و کلمن).

مدل نظری عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان شهر تهران



نمودار ۱- مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین عوامل فردی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، اندازه خانواده، طول مدت اقامت فرد در شهر) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی (نوع مالکیت منزل مسکونی، وضعیت شغلی، نوع شغل، اشتغال همسر و درآمد) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

۴۵..... بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن

۳- به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی (آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، امنیت اجتماعی، روابط خویشاوندی، کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین عوامل فرهنگی (تحصیلات، مطالعه روزنامه، کتاب و مجله، میزان تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، دین باوری و تعهددینی) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است. همچنین در بخش‌های نظری تحقیق از روش اسنادی استفاده شده است. طرح پژوهش در این پژوهش، مطالعه مقطعی انبوه می‌باشد. تکنیک یا ابزار اصلی این پژوهش "پرسشنامه محقق ساخته" و ابزار تکمیلی مصاحبه و مشاهده است. جهت شناسایی اعتبار^۳ شاخص‌های پرسشنامه از اعتبارمحتوایی صوری استفاده شد و پرسشنامه طراحی شده به تعدادی از اساتید خبره و برگزیده جامعه‌شناسی داده شد و وفاق آنها در مورد شاخص‌ها، دلیل روشنی بر اعتبار پرسشنامه طراحی شده است. همچنین به دلیل اینکه پرسشنامه این پژوهش از داخل نظریه‌های مطرح، چارچوب نظری و مدل تحلیلی استخراج شده است دارای اعتبار سازه‌ای است. همچنین جهت بررسی اعتماد^۴، پرسشنامه این پژوهش، تحت آزمون مقدماتی^۵ بر روی یک دهم حجم نمونه قرار گرفته است و پس از کدگذاری و استخراج داده‌ها، آزمون آلفای کرونباخ انجام گردید که آلفای به دست آمده بالای ۷۰ درصد است بنابراین گویه‌های طراحی شده مشارکت اجتماعی دارای اعتماد - انسجام درونی - است.

جمعیت یا جامعه آماری مجموعه‌ای از واحدهاست که در چیز یا چیزهایی مشترک باشند (سرای، ۱۳۸۹: ۵). با توجه به موضوع پژوهش - بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان شهر تهران - و سن رای دادن (در کشور ایران ۱۸ سال)، در این پژوهش فقط افراد ۱۸ سال و به بالا مورد بررسی قرار می‌گیرند که جامعه آماری این پژوهش شهروندان تهرانی ۱۸ سال و به بالا هستند که تعداد آنها ۵۹۶۷۰۵۲۶ است. حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران^۶ محاسبه گردید و حجم نمونه به دست آمده $400 = 399.97$ است.

N = جامعه آماری n = حجم نمونه t = اندازه متغیر در توزیع نرمال که همواره نسبت به سطح احتمال مشخص می‌شود.

q = عدم وجود صفت Q = وجود صفت d = محدوده اطمینان (رفیع پور، ۱۳۷۵: ۳۸۳-۳۷۵).

$$n = \frac{t^2 Pq}{d^2} = 400 = 399.97$$

$$n = \frac{1}{1 + \frac{t^2 pq}{d^2}}$$

روش نمونه‌گیری تلفیقی از نمونه‌گیری‌های منطقه‌ای، چندمرحله‌ای و سهمیه‌ای و ... است. در این نوع نمونه‌گیری ابتدا شهر را به بلوک‌هایی در صورت امکان با جمعیت‌هایی برابر تقسیم و آنها را شماره‌گذاری می‌کنند و سپس با روش تصادفی ساده، حجم مورد نیاز انتخاب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۱۹). در ابتدا از نمونه‌گیری منطقه‌ای استفاده می‌شود که در آن شهر تهران را به چند حوزه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم نموده و آنگاه بر اساس جمعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به تناسب جمعیت مناطق در حوزه‌های فوق، بلوک‌هایی در نظر گرفته می‌شود و سپس برای تقسیم بالسویه پرسشنامه در بین زنان و مردان، از نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

۵۰ درصد پاسخگویان را زنان و ۵۰ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۲/۷۹ سال، میانگین تحصیلات ۱۳/۰۵، ۵۵ درصد پاسخگویان متأهل، ۵۰/۲ درصد جزو حقوق‌بگیران بخش عمومی (دولتی) و میانگین درآمد پاسخگویان ۸۵۵۲۲۲ تومان است.

◀ مشارکت اجتماعی غیر رسمی

■ نتایج به دست آمده از مشارکت اجتماعی غیررسمی در سطح محله‌ای نشان می‌دهد که ۹۷/۸ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقند که؛ در صورت بروز مشکل در ساختمان، ساکنان باید در حل مشکل مشارکت کنند.

■ در سطح تفریحی- ورزشی ۸۸/۳ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقند که؛ تفریح با دیگران، باعث نشاط و سرزندگی آنها می‌شود و ۵۴/۸ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقند که؛ در میهمانی‌های هفتگی یا ماهانه شرکت می‌کنند.

- در سطح مذهبی ۸۶/۳ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ شرکت در انجمن‌های خیریه، یک وظیفه انسانی است، ۸۲/۵ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ راه اندازی هیات مذهبی در بین مردم ایران جاافتاده است، که البته به خاطر اعتماد بالای مردم جامعه ایران به نهاد دین است، ۴۹/۵ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند و ۳۲ درصد نیز نه موافق و نه مخالفند که؛ شرکت در نماز جمعه یک وظیفه سیاسی است.
 - مشارکت اجتماعی در سطح فرهنگی نیز نتایج بیانگر آن است که ۸۷/۸ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ عضویت در گروه‌های هنری هم باعث پرشدن اوقات فراغت و هم آموزش هنری می‌شود، ۸۳/۱ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ عضو فعال انجمن اولیا و مربیان مدرسه فرزندان بودن، باعث آگاهی از مسائل می‌شود، ۴۸/۱ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند و همچنین ۳۴ درصد نه موافق و نه مخالفند که؛ برای آموزش کار گروهی عضویت در بسیج مفید است.
 - در زمینه شغلی نیز ۷۹/۳ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ عضویت در انجمن‌های محل کار، باعث آگاهی از مسائل می‌شود و ۶۱/۳ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ عضویت در سازمان‌های غیردولتی، باعث گسترش مشارکت اجتماعی فرد می‌شود.
- ◀ مشارکت اجتماعی غیر رسمی
- نتایج به دست آمده از مشارکت اجتماعی رسمی حاکی از آن است که در سطح محله‌ای ۶۴/۱ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ شرکت در انتخابات شوراهای محلی، باعث آشنا شدن با افراد منتخب و در صورت لزوم مراجعه به آنهاست.
 - در سطح شهری ۵۷/۸ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ شرکت در انتخابات شورای شهر، یک وظیفه مدنی است.
 - در سطح ملی ۷۳/۸ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، یک وظیفه ملی است، ۶۲/۸ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ همه مردم باید در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند، ۶۱/۱ درصد پاسخگویان با این گویه موافق و کاملاً موافقتند که؛ شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری یک وظیفه ملی - دینی است، ۳۴/۵ درصد پاسخگویان با این گویه نه موافق و نه مخالفند که؛ همه مردم باید در راهپیمایی‌ها شرکت کنند و حضور داشته باشند.

یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱- به نظر می‌رسد بین عوامل فردی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، اندازه خانوار، طول مدت اقامت فرد در شهر) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی زنان و مردان در شهر تهران وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون t و مقدار t (۱/۲۶۹) و سطح معنی‌داری ۰/۲۱۰ (مقدار $\text{sig} > ۰/۰۵$)، تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی زنان و مردان وجود ندارد. بنابراین فرضیه فوق رد می‌گردد.

◀ به نظر می‌رسد بین سن شهروندان تهرانی و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون، بین متغیر سن و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان ۰/۸۶۲ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با ۹۹ درصد اطمینان و ۰/۰۱ خطا، معنی‌دار می‌باشد. یعنی هر چه قدر سن افراد بالاتر بوده، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بالاتر است و فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افراد مجرد، متأهل، بدون همسر بر اثر فوت همسر و بدون همسر بر اثر طلاق وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون f و مقدار sig (۰/۰۰۰) و مقدار f (۹/۰۸۸)، فرضیه فوق در سطح ۹۹ درصد اطمینان و ۰/۰۱ خطا، تأیید می‌گردد. بنابراین تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افراد مجرد، متأهل، بدون همسر بر اثر فوت همسر و بدون همسر بر اثر طلاق وجود دارد. و افراد بدون همسر در اثر فوت همسر از میانگین مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند.

◀ به نظر می‌رسد بین اندازه خانوار و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، بین دو متغیر اندازه خانوار و مشارکت اجتماعی به میزان ۰/۱۲۸ رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد اطمینان و ۰/۰۵ خطا، معنی‌دار می‌باشد. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش اندازه خانوار، مشارکت اجتماعی شهروندان نیز افزایش می‌یابد.

◀ به نظر می‌رسد بین تعداد سال‌های اقامت افراد در شهر تهران و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

۴۹..... بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن

با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، بین متغیر تعداد سال‌های اقامت در شهر تهران و متغیر مشارکت اجتماعی، به میزان $0/163$ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا، معنی‌دار می‌باشد. به این معنا که هر چه افراد سال‌های بیشتری در شهر تهران اقامت دارند، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر است. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

فرضیه ۲- به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی (نوع مالکیت منزل مسکونی، وضعیت شغلی، نوع شغل، اشتغال همسر و درآمد) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افراد دارای منازل مسکونی شخصی، رهنی یا اجاره‌ای و ... وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون f و مقدار f ($18/036$) و مقدار sig ($0/000$)، فرضیه فوق در سطح 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا، تأیید می‌گردد. بنابراین تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افرادی که دارای منازل مسکونی شخصی، رهنی یا اجاره‌ای و ... هستند وجود دارد. و افراد دارای منازل مسکونی شخصی از بیشترین میزان مشارکت اجتماعی نسبت به سایر افراد برخوردارند.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افراد شاغل، بیکار و بازنشسته وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون f و مقدار f ($55/038$) و مقدار sig ($0/000$)، فرضیه فوق در سطح 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا، تأیید می‌گردد. بنابراین تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افراد شاغل، بیکار و بازنشسته وجود دارد و افراد بازنشسته از میزان مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر افراد برخوردارند.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افراد دارای مشاغل گوناگون وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون f و مقدار f ($3/274$) و مقدار sig ($0/000$)، فرضیه فوق در سطح 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا، تأیید می‌گردد. و تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی کارمندان دولتی، کارمندان بخش خصوصی، کارفرمایان، کارگران و افراد دارای مشاغل آزاد وجود دارد و افرادی که به سؤال مربوط به نوع شغل پاسخ نداده‌اند از بیشترین میزان مشارکت اجتماعی برخوردارند.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افرادی که همسر آنها (خانم خانه) شاغل هستند و کسانی که همسرشان شاغل نیستند، وجود دارد.

۵۰.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

با توجه به نتایج آزمون t و مقدار t بدست آمده (۶/۴۴۴-) و مقدار sig (۰/۰۰۰)، فرضیه فوق در سطح ۹۹ درصد اطمینان و ۰/۰۱ خطا، تأیید می‌گردد و میانگین مشارکت اجتماعی پاسخگویانی که همسرشان شاغل نیستند بیشتر از پاسخگویانی است که همسر آنها شاغل‌اند.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان درآمد افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، بین متغیر میزان درآمد و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان ۰/۲۴۳ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با ۹۹ درصد اطمینان و ۰/۰۱ خطا، معنی‌دار می‌باشد. یعنی هر چقدر درآمد افراد بالاتر بوده، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بالاتر است. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

فرضیه ۳- به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی (آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، امنیت اجتماعی، روابط خویشاوندی، کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی کندال نشان می‌دهد بین دو متغیر میزان آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی افراد و متغیر مشارکت اجتماعی، به میزان ۰/۴۵۰ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با ۹۹ درصد اطمینان و ۰/۰۱ خطا رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر وجود دارد. بدین معنا که با افزایش میزان آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی افراد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان احساس امنیت افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی کندال و مقدار sig (۰/۰۳۲) نشان می‌دهد بین دو متغیر احساس امنیت و مشارکت اجتماعی، به میزان ۰/۰۸۲ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با ۹۵ درصد اطمینان و ۰/۰۵ خطا، رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود دارد. بدین معنا که با افزایش احساس امنیت افراد، مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان روابط خویشاوندی افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. (به این نحو که هرچه میزان روابط خویشاوندی افراد بالاتر باشد، مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد).

بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن..... ۵۱

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، بین دو متغیر میزان روابط خویشاوندی و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان $0/236$ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا معنی دار می‌باشد. بدین معنا که هرچه میزان روابط خویشاوندی افراد بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر است. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. (بدین صورت که با افزایش کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی افراد نیز کاهش می‌یابد).

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، که بین دو متغیر کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان $0/195$ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا معنی دار می‌باشد. یعنی هر چقدر کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. و این دستاورد بر خلاف فرضیه مورد نظر می‌باشد؛ چرا که فرضیه مورد بررسی مبنی بر کاهش مشارکت اجتماعی بر اثر کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است؛ بنابراین فرضیه مورد بررسی رد می‌شود. در حالی که بنا بر نظر فوکویاما، استفاده از زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش مشارکت اجتماعی می‌شود.

فرضیه ۴- به نظر می‌رسد بین عوامل فرهنگی (تحصیلات، مطالعه روزنامه، کتاب و مجله، میزان تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، دین باوری و تعهد دینی) و مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد.

◀ به نظر می‌رسد تفاوت معنی داری بین مشارکت اجتماعی افراد دارای تحصیلات متفاوت وجود دارد. نتایج آزمون f و مقدار $f(11/771)$ و مقدار $sig(0/000)$ بیانگر این است که، فرضیه فوق در سطح 99 درصد اطمینان و $0/01$ خطا، تأیید می‌گردد. بنابراین تفاوت معنی داری بین مشارکت اجتماعی افراد دارای تحصیلات متفاوت وجود دارد. و افراد بی‌سواد دارای بالاترین میزان مشارکت اجتماعی می‌باشند.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان مطالعه (روزنامه، کتاب و مجله) افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشانگر این مطلب است که بین دو متغیر میزان مطالعه و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان $0/۲۷۶$ - رابطه وجود دارد. این رابطه معکوس بوده به این معنا که با افزایش میزان مطالعه فرد، مشارکت اجتماعی او کاهش می‌یابد. در واقع با توجه به اینکه این همبستگی در سطح ۹۹ درصد اطمینان و $0/۰۱$ خطا وجود دارد، فرضیه فوق رد می‌شود و فرضیه معکوس تأیید می‌گردد.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان تماشای تلویزیون توسط افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. (بدین صورت که با افزایش میزان تماشای تلویزیون توسط فرد، مشارکت اجتماعی او کاهش می‌یابد).

با توجه به اطلاعات به دست آمده، بین متغیر میزان استفاده از تلویزیون و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان $0/۳۹۶$ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با ۹۹ درصد اطمینان و $0/۰۱$ خطا معنی دار می‌باشد. یعنی با افزایش میزان استفاده از تلویزیون توسط فرد، مشارکت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد. و این نتیجه‌ای خلاف فرضیه ارائه شده می‌باشد به عبارتی همبستگی موجود بر خلاف فرضیه مورد نظر است و فرضیه مورد بررسی رد می‌شود.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از اینترنت و مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد. (بدین صورت که با افزایش میزان استفاده از اینترنت، مشارکت اجتماعی شهروندان کاهش می‌یابد).

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشانگر این مطلب است که بین دو متغیر میزان استفاده از اینترنت و متغیر مشارکت اجتماعی به میزان $0/۴۶۱$ - رابطه وجود دارد. این رابطه معکوس بوده به این معنا که با افزایش میزان استفاده از اینترنت، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد. در واقع با توجه به اینکه این همبستگی در سطح ۹۹ درصد اطمینان و $0/۰۱$ خطا وجود دارد، فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

◀ به نظر می‌رسد بین میزان دین‌باوری و تعهد دینی و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون، بین دو متغیر میزان دین‌باوری و تعهد دینی و مشارکت اجتماعی به میزان $0/۴۹۹$ رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت بوده و با ۹۹ درصد اطمینان و $0/۰۱$ خطا معنی دار می‌باشد. یعنی هر چقدر میزان دین‌باوری و تعهد دینی فرد افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود.

جدول شماره ۱. اندازه و نوع روابط میان متغیرها، در فرضیات تأیید شده به وسیله ضرایب همبستگی پیرسون و کندال

متغیرهای مستقل	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	سطح معنی داری (Sig)
سن	پیرسون	۰/۸۶۲ **	۰/۰۰۰
اندازه خانوار	پیرسون	۰/۱۲۸ *	۰/۰۱۰
طول مدت اقامت فرد در شهر تهران	پیرسون	۰/۱۶۳ **	۰/۰۰۱
درآمد	پیرسون	۰/۲۴۳ **	۰/۰۰۰
آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی	کندال	۰/۴۵۰ **	۰/۰۰۰
احساس امنیت	کندال	۰/۰۸۲ *	۰/۰۳۲
روابط خویشاوندی	پیرسون	۰/۱۳۶ **	۰/۰۰۰
کاربرد زور و جبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	پیرسون	۰/۱۹۵ **	۰/۰۰۰
میزان مطالعه روزنامه، کتاب و مجله	پیرسون	-۰/۲۷۶ **	۰/۰۰۰
میزان تماشای تلویزیون	پیرسون	۰/۳۹۶ **	۰/۰۰۰
میزان استفاده از اینترنت	پیرسون	-۰/۴۶۱ **	۰/۰۰۰
دین باوری و تعهد دینی	پیرسون	۰/۴۹۹ **	۰/۰۰۰

همچنین در پژوهش حاضر به منظور مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. که نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون بدین قرار است که: سن اولین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیونی شده و بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) دارد و براساس ضریب تعیین محاسبه شده (R^2)، ۷۴/۲ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط متغیر سن، تبیین شده است، دین باوری و تعهد دینی، دومین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیونی شده و ۲/۳ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط این متغیر، تبیین شده است. آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، سومین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیونی شده و ۰/۷ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط این متغیر تبیین شده است. نوع شغل چهارمین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیونی شده و ۰/۵ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط متغیر تعداد مشاغل تبیین شده است. احساس امنیت پنجمین متغیری است که وارد معادله رگرسیونی شده و ۰/۵ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط متغیر احساس امنیت تبیین شده است. اشتغال همسر ششمین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیونی شده و ۰/۳ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط متغیر اشتغال همسر تبیین شده است. کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی آخرین متغیری است که وارد تحلیل رگرسیونی شده و ۰/۲ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط متغیر کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تبیین شده است.

جدول شماره ۲. عناصر متغیرهای درون معادله رگرسیون برای پیش‌بینی میزان مشارکت اجتماعی

متغیرهای مستقل	R ²	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت		۸۲/۴۹۳		۲۱/۱۴۴	۰/۰۰۰
سن	۰/۷۴۲	۲/۶۴۱	۰/۰۵۸	۲۳/۶۰۸	۰/۰۰۰
دین باوری و تعهد دینی	۰/۷۶۵	-۲/۵۱۱	-۰/۲۲۸	-۶/۶۲۸	۰/۰۰۰
آگاهی توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی	۰/۷۷۲	-۲/۵۶۸	-۰/۱۰۵	-۳/۳۹۳	۰/۰۰۱
نوع شغل	۰/۷۷۷	۳/۵۸۷	۰/۰۷۰	۲/۶۸۰	۰/۰۰۸
احساس امنیت	۰/۷۸۲	۱/۷۱۸	۰/۰۸۱	۳/۳۳۶	۰/۰۰۱
اشتغال همسر (خانم خانه)	۰/۷۸۵	-۰/۵۴۸	-۰/۰۵۸	-۲/۳۳۶	۰/۰۲۰
کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	۰/۷۸۷	۰/۹۵۰	۰/۰۴۹	۲/۰۰۸	۰/۰۴۵

■ همچنین از تکنیک تحلیل مسیر به منظور بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی)، بهره گرفته شد.

بنابر نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، متغیر سن، با میزان ۱/۰۵۸ به صورت مستقیم و ۰/۲۲۱- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۸۳/۷ درصد، بالاترین میزان واریانس متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را تبیین می‌کند. متغیر نوع شغل، با میزان ۰/۰۷ به صورت مستقیم و ۰/۰۰۲- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۶/۸ درصد بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است. متغیر اشتغال همسر (خانم خانه)، با میزان ۰/۰۵۸- به صورت مستقیم و ۰/۰۰۳- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۶/۱- درصد بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است. متغیر کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، با میزان ۰/۰۴۹ به صورت مستقیم و ۰/۰۰۷- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۵/۶ درصد بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است. متغیر آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، با میزان ۰/۱۰۵- به صورت مستقیم و ۰/۰۰۵- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۱۱- درصد بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است. متغیر احساس امنیت، با میزان ۰/۰۸۱ به صورت مستقیم و- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۸/۱ درصد بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است. و در نهایت متغیر دین باوری و تعهد دینی، با میزان ۰/۲۲۶- به صورت مستقیم و ۰/۰۰۴- به صورت غیر مستقیم و در مجموع با میزان ۲۲/۵- درصد بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر گذار است.

جدول شماره ۳. مجموع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات غیر مستقیم	اثرات مستقیم	مجموع تأثیر مستقیم و غیر مستقیم هر متغیر
سن	-۰/۲۲۱	۱/۰۵۸	۰/۸۳۷
نوع شغل	-۰/۰۰۲	۰/۰۷۰	۰/۰۶۸
اشتغال همسر (خانم خانه)	-۰/۰۰۳	-۰/۰۵۸	-۰/۰۶۱
کاربرد زور و اجبار در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	۰/۰۰۷	۰/۰۴۹	۰/۰۵۶
آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی	-۰/۰۰۵	-۰/۱۰۵	-۰/۱۱
احساس امنیت	-	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱
دین باوری و تعهد دینی	۰/۰۰۰۴	-۰/۲۲۶	-۰/۲۲۵

■ تحلیل عاملی مشارکت اجتماعی (مشارکت اجتماعی غیر رسمی، مشارکت اجتماعی رسمی)

برای بررسی مشارکت اجتماعی؛ دو بعد مشارکت اجتماعی غیر رسمی، مشارکت اجتماعی رسمی گویه‌هایی طراحی گردید. برای بررسی همبستگی درونی گویه‌ها و دسته‌بندی و تبیین آن‌ها در قالب عامل‌های عمومی محدود، از تحلیل عاملی استفاده می‌شود. در این آزمون تمام ۳۰ گویه‌ای که به بررسی مشارکت اجتماعی می‌پردازند وارد تحلیل می‌شوند.

جدول شماره ۴. آزمون KMO و Bartlett's برای گویه‌های مشارکت اجتماعی

مقادیر	آزمون
۰/۸۹۴	KMO = کی ام او
۵۲۶۴/۲۸۹	Bartlett's - بارتلت
۴۳۵	Df = درجه آزادی
۰/۰۰۰	Sig = سطح معنی داری

نتایج آزمون KMO و Bartlett's نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. مقدار KMO ۰/۸۹۴ و بیشتر از ۰/۷۰ است. بنابراین همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است.

جدول شماره ۵. نمایی از عامل‌های تحقیق و سهم هر یک از آنها

شماره عامل	عامل	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه	درصد از کل عامل‌ها
۱	مشارکت اجتماعی رسمی محله‌ای، شهری و ملی و مذهبی	8.499	28.331	28.331
۲	مشارکت اجتماعی غیر رسمی شغلی - صنعتی	3.198	10.659	38.989
۳	مشارکت اجتماعی غیر رسمی محله‌ای	1.877	6.255	45.244
۴	مشارکت اجتماعی غیر رسمی فرهنگی	1.502	5.007	50.251
۵	مشارکت اجتماعی غیر رسمی مذهبی	1.223	4.076	54.327
۶	مشارکت اجتماعی غیر رسمی تفریحی	1.054	3.512	57.839
۷	مشارکت اجتماعی غیر رسمی ورزشی	1.027	3.423	61.262

۵۶.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که ۳۰ گویه‌ای که در ۲ بعد، به سنجش ابعاد مشارکت اجتماعی - مشارکت اجتماعی غیر رسمی، مشارکت اجتماعی رسمی - می‌پردازند در ۷ عامل فوق خلاصه گردید. مقدار ویژه، درصد و درصد تجمعی (معیار درصد واریانس) نشانگر این امر است که آزمون تحلیل عاملی توانسته ۶۱/۲۶۲ درصد واریانس داده‌ها را تبیین کند.

جدول شماره ۶. متغیرهای مربوط به عامل‌ها همراه با بارهای عامل

نام عامل	متغیرهای هر یک از عامل‌ها	مقدار بار عاملی
مشارکت اجتماعی رسمی محله‌ای، شهری و ملی و مذهبی	من معتقدم شرکت در دسته‌های عزاداری مذهبی، یک وظیفه مذهبی است	.529
	من معتقدم شرکت در نماز جمعه یک وظیفه سیاسی است	.752
	شرکت در نمازهای اعیاد مذهبی یک وظیفه مذهبی است	.584
	شرکت در انتخابات شوراهای محلی، باعث آشنا شدن با افراد منتخب و در صورت لزوم مراجعه به آنهاست	.654
مشارکت اجتماعی غیر رسمی شغلی - صنعی	من معتقدم شرکت در انتخابات شورای شهر، یک وظیفه مدنی است	.650
	من معتقدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، یک وظیفه ملی است	.818
	من معتقدم همه مردم باید در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند	.848
	شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری یک وظیفه ملی - دینی است	.881
	من اعتقاد دارم همه مردم باید در راهپیمایی‌ها شرکت کنند و حضور داشته باشند	.835
	عضو فعال انجمن اولیا و مربیان مدرسه فرزندان بودن، باعث آگاهی از مسائل می‌شود	.539
	عضویت در اتحادیه کاریگری یا کارمندی، برای فرد شاغل در کارخانه یا اداره لازم است	.691
	عضویت در سازمان‌های غیردولتی، باعث گسترش مشارکت اجتماعی فرد می‌شود	.618
	برای اطلاع از قوانین و مقررات اصناف، عضویت برای کسبه لازم به نظر می‌رسد	.603
	عضویت در انجمن‌های محل کار، باعث آگاهی از مسائل می‌شود	.692
مشارکت اجتماعی غیر رسمی محله‌ای	برای آموزش کار گروهی عضویت در بسیج مفید است	.570
	من معتقدم ساکنان یک ساختمان باید در جلسات ساختمان شرکت کنند	.761
	در صورت بروز مشکل در ساختمان، ساکنان باید در حل مشکل مشارکت کنند	.776
	اگر قرار است تصمیمی برای محله گرفته شود خیلی خوب است که ساکنان محله در جلسات شرکت کنند	.789
	در صورت بروز مشکل در محله، ساکنان باید در حل مشکل مشارکت کنند	.762
	من معتقدم مردم گاهی اوقات باید در گردهمایی‌ها و جشنواره‌های مختلف فرهنگی، هنری و اجتماعی شرکت کنند	.677
	عضویت در گروه‌های هنری هم باعث پرشدن اوقات فراغت و هم آموزش هنری می‌شود	.686
	عضو کانون‌های فرهنگی، کار گروهی را در افراد تقویت می‌کند	.648
	من معتقدم شرکت در انجمن‌های خیریه، یک وظیفه انسانی است	.745
	من معتقدم، مشارکت در صندوق قرض الحسنه محله می‌تواند مشکلات مالی ساکنین محله را حل کند	.635
مشارکت اجتماعی غیر رسمی تفریحی	راه اندازی هیات مذهبی در بین مردم ایران جاقفاده است	.504
	تفریح با دیگران، باعث نشاط و سرزندگی می‌شود	.754
	من در میهمانی‌های هفتگی یا ماهانه شرکت می‌کنم	.755
	من معتقدم که عضو تیم ورزشی محله بودن به گسترش روابط کمک می‌کند	.707
غیر رسمی ورزشی		

در جدول فوق ۷ عامل و متغیرهایی که در هر یک از ۷ عامل قرار می‌گیرند همراه با بار عاملی آن (که از جدول ضرایب عاملی دوران یافته استخراج شده است) مطرح می‌شوند. در عامل اول مشارکت اجتماعی رسمی محله‌ای، شهری و ملی و مذهبی ۹ متغیر، در عامل دوم مشارکت اجتماعی غیر رسمی شغلی- صنفی ۶ متغیر و در عامل سوم مشارکت اجتماعی غیر رسمی محله‌ای ۴ متغیر را در بر گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

* نتایج به دست آمده از مشارکت اجتماعی غیررسمی نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی محله‌ای افراد فقط در سطح ساختمان محل سکونت خود است و به نوعی نشانگر گسترش روحیه فردگرایی در جامعه ایران است. در سطح تفریحی- ورزشی تفریح با دیگران، باعث نشاط و سرزندگی آنها می‌شود و اغلب در میهمانی‌های هفتگی یا ماهانه شرکت می‌کنند. در سطح مذهبی پاسخگویان اعتقاد دارند که شرکت در انجمن‌های خیریه، یک وظیفه انسانی است، به عبارت دیگر انجام امور نیکوکارانه در بین مردم جامعه ایران از بین نرفته است. پاسخگویان با این گویه موافقت می‌کنند؛ راه اندازی هیات مذهبی در بین مردم ایران جاافتاده است، که البته به خاطر اعتماد بالای مردم جامعه ایران به نهاد دین است. حدود نیمی از پاسخگویان بر این باورند که شرکت در نماز جمعه یک وظیفه سیاسی است، که البته به دلیل تأکید دین اسلام بر اهمیت نماز جمعه به عنوان تکلیف دینی است. مشارکت اجتماعی در سطح فرهنگی نیز بیانگر آن است که عضویت در گروه‌های هنری هم باعث پرشدن اوقات فراغت و هم آموزش هنری می‌شود، و نیز عضو فعال انجمن اولیا و مربیان مدرسه فرزندان بودن، باعث آگاهی از مسائل می‌شود، برای آموزش کار گروهی عضویت در بسیج مفید است. در زمینه شغلی نیز پاسخگویان با این گویه موافقت می‌کنند؛ عضویت در انجمن‌های محل کار، باعث آگاهی از مسائل می‌شود و عضویت در سازمان‌های غیردولتی، باعث گسترش مشارکت اجتماعی فرد می‌شود. نتایج به دست آمده نشانگر تشخیص اهمیت مشارکت اجتماعی و کار گروهی در بین مردم است.

* نتایج به دست آمده از مشارکت اجتماعی رسمی حاکی از آن است که پاسخگویان معتقدند که: در سطح محله‌ای شرکت در انتخابات شوراهای محلی، باعث آشنا شدن با افراد منتخب و در صورت لزوم مراجعه به آنهاست، در سطح شهری شرکت در انتخابات شورای شهر، یک وظیفه مدنی است، در سطح ملی شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، یک وظیفه ملی است، و همه

مردم باید در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند، شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری یک وظیفه ملی-دینی است و همه مردم باید در راهپیمایی‌ها شرکت کنند و حضور داشته باشند. بررسی پاسخ‌های به دست آمده نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی رسمی در جامعه ایران مترادف با تعیین سرنوشت مردم است. بنابراین از اهمیت زیادی برخوردار است. در این قسمت به بررسی نتایج به دست آمده از تحقیق و رابطه آن با چارچوب نظری و تئوری‌های مطرح پرداخته می‌شود.

● بین سن افراد و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. یعنی هر چقدر سن افراد بالاتر بوده، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بالاتر است. به اعتقاد آفه و فوش و گلیرز، سن از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی است که معمولاً براساس دوره کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، والدینی و بازنشستگی شناخته می‌شود.

● بر اساس داده‌های به دست آمده بین دو متغیر اندازه خانوار و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و با افزایش اندازه خانوار، مشارکت اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد. آفه و فوش معتقدند: اندازه خانواده با انجمن‌پذیری رابطه مستقیم و مثبتی دارد در خانواده‌های بزرگ جنبه‌های زیادی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی از قبیل آموزش، بهداشت، بازار کار، فعالیت‌های فرهنگی، زندگی مذهبی و موضوعات همسایگی در اولویت قرار دارند. علاوه بر این خانواده‌های بزرگ‌تر از شبکه‌های بین خانوادگی استفاده بیشتری در کمک و تعاون می‌برند.

● بین متغیر تعداد سال‌های اقامت در شهر تهران و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که هر چه افراد سال‌های بیشتری در شهر تهران اقامت دارند، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بیشتر است. گلیرز، لایسون و ساکردوت، پاتنام، برم و ران و کلمن معتقدند: طول مدت اقامت در شهر بر میزان مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است.

● با توجه به نتایج به دست آمده، تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی افرادی که دارای منازل مسکونی شخصی، رهنی یا اجاره‌ای و... هستند وجود دارد. و افراد دارای منازل مسکونی شخصی از بیشترین میزان مشارکت اجتماعی نسبت به سایر افراد برخوردارند. گلیرز، لایسون و ساکردوت در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین تحرک و جابجایی محل اقامت و عضویت سازمانی رابطه منفی وجود دارد. به این معنا که افرادی که محل اقامت خود را مدام عوض

می کنند مشارکت اجتماعی خود را از دست می دهند و کمتر علاقمند به سرمایه گذاری بر روی آن هستند.

● بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش ؛ بین مشارکت اجتماعی افراد شاغل، بیکار و بازنشسته تفاوت معنی داری وجود دارد و افراد بازنشسته از میزان مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به سایر افراد برخوردارند. اُفه و فوش معتقدند شاغلین نسبت به بیکاران فعالیت انجمنی بیشتری دارند. در صورتی که نتایج حاصل از تحقیق حاضر خلاف این مطلب را در جامعه مورد بررسی، می رساند.

● با توجه به نتایج بدست آمده، میانگین مشارکت اجتماعی پاسخگویانی که همسرشان شاغل نیستند بیشتر از پاسخگویانی است که همسر آنها شاغل اند. پاتنام، برم و ران، گلپزر، لایسون و ساکردوت معتقدند که : فشارهای اقتصادی و زمانی روی خانواده، به جهت کار کردن زن و شوهر وقت آنها را برای فعالیت های اجتماعی کاهش داده و نقش کاهنده ای بر مشارکت اجتماعی دارد.

● با توجه به نتایج به دست آمده، بین متغیر میزان درآمد و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. یعنی هر چقدر درآمد افراد بالاتر بوده، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز بالاتر است. بوردیو، اُفه و فوش، برم و ران در مورد درآمد این فرض را مطرح می کنند که افراد دارای درآمد متوسط و بالا آشنایی بیشتری با فعالیت های انجمنی دارند که این موضوع ناشی از تجربه و سن و یا مهارت های سازمانی آنان است.

● بین میزان روابط خویشاوندی افراد سرپرست خانواده و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. به این نحو که هر چه میزان روابط خویشاوندی افراد بالاتر باشد، مشارکت اجتماعی افزایش می یابد. به اعتقاد کلمن، مشارکت اجتماعی ابتدا از دریچه روابط فامیلی تجلی می یابد و به محض اینکه فامیل ها، شبکه های خویشاوندی، دوستی، و دیگر تماس های خود را رها کرده اند، مشارکت اجتماعی رو به کاهش رفت. نتایج تحقیق نیز نشان می دهد که فرضیه مورد نظر در رابطه با روابط خویشاوندی، مطابق با نظر کلمن تأیید می شود.

● همچنین تفاوت معنی داری بین مشارکت اجتماعی افراد دارای تحصیلات متفاوت وجود دارد و افراد بی سواد دارای بالاترین میزان مشارکت اجتماعی می باشند. براساس مطالعات انجام شده توسط گلپزر، لایسون و ساکردوت و اُفه و فوش، بوردیو، فوکویاما و پاتنام، افزایش حضور در کلیسا و میزان ارتباطات اجتماعی و کوشش در حل مسایل محلی، در بین افراد با تحصیلات کالج بیشتر است و بین سال های رسمی آموزش در مدرسه و مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود

دارد. و این موضوع تا حدودی ناشی از محیط‌های نهادی مانند مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری و آموزه‌های اخلاقی آنان در جهت تعاون و همیاری است و نیز بین سطح آموزش و میزان همکاری و مشارکت در پروژه‌های محلی رابطه مستقیمی وجود دارد. در واقع آموزش باعث تقویت مشارکت اجتماعی می‌شود. در صورتی که نتایج حاصل از تحقیق حاضر خلاف این مطلب را در جامعه مورد بررسی، می‌رساند.

● بین دو متغیر میزان مطالعه و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان مطالعه فرد، مشارکت اجتماعی او کاهش می‌یابد. برم و ران، خواندن روزنامه را عامل مؤثری در شکل‌گیری انجمن‌های داوطلبانه می‌دانند. از نظر آنها خواندن روزنامه از طریق آگاهی دادن به مردم از وضعیت جامعه خود، باعث افزایش اعتماد می‌گردد. در صورتی که نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که با افزایش میزان مطالعه، میزان مشارکت اجتماعی در بین افراد، کاهش یافته است. با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر اینکه افزایش میزان مطالعه با کاهش میزان مشارکت اجتماعی همراه شده است، می‌توان گفت رسانه‌های جمعی مخصوصاً روزنامه‌ها و مجلات در ایفای وظایف خود موفق نبوده‌اند.

● با توجه به اطلاعات به دست آمده، بین متغیر میزان تماشای تلویزیون و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. یعنی با افزایش میزان استفاده از تلویزیون توسط فرد، مشارکت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد. پاتنام تلویزیون را از مظاهر دوران پست مدرن و از عوامل تضعیف روحیه شهروندی فعال می‌داند. تلویزیون و گسترش دامنه استفاده از آن در خانواده‌ها باعث کاهش دامنه زندگی اجتماعی و مدنی شده و افراد کمتر وقتی را صرف دوستان و حتی خانواده خود می‌کنند و در سازمان‌های اجتماعی و امور عمومی کمتر مشارکت می‌کنند؛ همچنین باعث خصوصی شدن اوقات فراغت می‌شود. او تلویزیون را بزرگ‌ترین علت زوال سرمایه اجتماعی در آمریکا می‌داند، به این علت که مردم به جای معاشرت، خانه نشین می‌شوند، و حالت انفعالی، بی‌حالی و رخوت ایجاد می‌کند و فعالیت مردم را می‌کاهد. در ضمن محتوای بسیاری از نمایش‌های تلویزیونی را علیه معاشرت و شهروند فعال بودن می‌داند.

● همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین دو متغیر میزان استفاده از اینترنت و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان استفاده از اینترنت، مشارکت اجتماعی فرد کاهش می‌یابد. پاتنام معتقد است که اینترنت موانع ارتباطی را از بین می‌برد و شبکه‌های

جدیدی برای روابط جدید ایجاد می‌کند، اما نسبت به تأثیرات آن هم بدین است. اینترنت تعامل را تضعیف و احتمال فریب را تقویت می‌کند. کسانی که وارد اینترنت می‌شوند، تمایل دارند تا با گروه کوچکی از افراد که مثل خودشان فکر می‌کنند و علائق شبیه خودشان دارند، ارتباط برقرار کنند و نسبت به کسانی که به گونه‌ای دیگر فکر می‌کنند اصلاً تحمل و مدارا نشان نمی‌دهند. نتایج تحقیق حاضر نیز مؤید تئوری پاتنام در این زمینه می‌باشد.

● بین میزان دین باوری و تعهددینی افراد و میزان سرمایه اجتماعی آنان رابطه وجود دارد بدین نحو که با افزایش میزان دین باوری و تعهد دینی افراد، مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. به اعتقاد آفه و فوش و کلمن، سازمان‌های دینی نقش میانجی را در فعالیت‌های دینی ایفا می‌کنند. از آنجا که ادیان از نشست‌های عمومی و از مراسم و مناسک برخوردارند، باعث توسعه همکاری و تعاون و آگاهی از مسایل اجتماعی می‌گردند.

از راه‌های افزایش مشارکت اجتماعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اعتماد داشتن به همدیگر و افزایش میزان آن؛ اعتماد افراد نسبت به هم، اعتماد افراد نسبت به نهادها و دولت و بالعکس سبب توسعه و تعمیق مشارکت‌های اجتماعی می‌شود.

۲- آموزش زیربنای توسعه فرهنگی و اجتماعی است. مردم با آگاهی از شیوه‌های مشارکت، چگونگی فعالیت در آن، نتایج و پیامدهای مشارکت اجتماعی می‌توانند با حضور خود میزان مشارکت را افزایش دهند.

۳- فرهنگ سازی در زمینه کار گروهی و مشارکت.

۴- جلب اعتماد مردم با یکی شدن حرف و عمل سیاستمداران (عمل به وعده‌ها).

۵- تشویق در فعالیت‌های جمعی و گروهی با تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی.

۶- وجود فضای باز، امکان نقادی و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی.

۷- تمرکز بر آموزش گروهی به جای آموزش انفرادی.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Family Income
- 2- Kinship Relations
- 3- Validity
- 4- Reliability
- 5- Pretest
- 6- Cochran

منابع

- انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۳). "مسائل اجتماعی ایران". تهران: آگه.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). "دموکراسی و سنت‌های مدنی". ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: پناهی، محمدحسین و سمیه‌السادات بنی فاطمه. (۱۳۹۴). "فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان". فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۶۸، شماره ۶۸، صص ۳۵-۷۸.
- پوریوسفی، حمید و حبیبه بهاری (۱۳۸۸). "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی در شهر تبریز". مجله جامعه‌شناسی معاصر. سال اول، شماره دوم، صص ۴۷-۲۷.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). "سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)". ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). "مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک". تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسین زاده، علی حسین و حمیدفدایی ده چشمه. (۱۳۹۱). "عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)". مطالعات جامعه‌شناختی شهری. دوره ۲، شماره ۵، ۸۲-۵۹.
- جوادی یگانه، محمد رضا، ستاره فروزان و علی قنبری. (۱۳۸۴). "سرمایه اجتماعی و نقش رسانه‌ها در تقویت آن". مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی. چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۵). "کندوکاوها و پنداشته‌ها". تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رضا دوست، کریم، علی حسین حسین زاده و حمید عابد زاده. (۱۳۸۸). "بررسی عوامل موثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه‌ی شهری شهر ایلام". مجله جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان. سال ۲۰، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۰.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). "نظریه جامعه‌شناسی". ترجمه: هوشنگ ناییبی. تهران: نشرنی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۷). "روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی - بینش‌ها و فنون". جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). "دایره‌المعارف علوم اجتماعی". جلد اول. تهران: کیهان.
- سرایبی، حسن. (۱۳۸۹). "مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق". تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ اول.
- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). "درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی". تهران: سمت.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۸۱). "جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات و نظرها)". تهران: جامعه پژوهان سینا.

۶۳ بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن.

فاین، بن. (۱۳۸۵). "سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طبیعه هزاره سوم". ترجمه: محمد کمال سروریان. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). "بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران". پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). "پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)". ترجمه: غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). "پایان نظم - سرمایه اجتماعی و حفظ آن". ترجمه: غلامعباس توسلی. تهران: حکایت قلم نوین.

فیلد، جان (۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی". ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضایی. تهران: کویر.

فیلد، جان. (۱۳۸۵). "سرمایه اجتماعی". ترجمه: جلال منقی. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش تأمین اجتماعی.

کرایب، یان. (۱۳۷۸). "نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس". ترجمه: عباس مخبر. تهران: نشر آگه.

کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). "بنیادهای نظریه اجتماعی". ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

کیویستو، پیتر (۱۳۸۳). "اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی". ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

محمدی، محمد علی. (۱۳۸۴). "سرمایه اجتماعی و سنجش آن". تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

نادری، احمد؛ ابراهیم شیرعلی و سجاد قاسمی کفرودی. (۱۳۹۳). "بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)". مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۶، شماره ۳، صص ۷-۲۰.

نظامیوند چگینی، زهرا و حسن سرایی. (۱۳۹۲). "عوامل مؤثر بر مشارکت زنان شهر تهران در نیروی کار". فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱-۴۵.

نوابخش، مهرداد و زهرا اسمی جوشقانی. (۱۳۹۱). "عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دانش‌آموزی". مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۰۵-۱۲۲.

نوابخش، مهرداد و احمد صادقی. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در انتخابات شوراباری دوره سوم محلات مطالعه موردی: دانشکده مدیریت واحد علوم و تحقیقات تهران". مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران (مجله جامعه‌شناسی معاصر). سال دوم، شماره دوم، صص ۱۱۸-۸۳.

نوروزی، فیض‌الله و مهناز بختیاری. (۱۳۸۸). "مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن". مجله راهبرد. دوره ۱۸، شماره ۵۳، صص ۲۴۹-۲۴۹.

Field, John. (2003). "Social Capital ", London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.

Francis Fukuyama. (1995). "Trust: The Social Virtues and Creation of Prosperity" (New York: Free Press).

- Giddens, Anthony. (1984). "The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration", Berkeley: University of California Press.
- Veenstra, Gerry. (2002). "Explicating Social Capital: Trust and Participation in the Civil Space", University of Alberta (Canada): Canadian Journal of Sociology, Volume: 27. Issue: 4.

